

## بررسی تأثیر آموزش اسلام محور به والدین بر عزت نفس نوجوانان

بنت الهدی هدایتی\*  
دکتر مریم السادات فاتحی‌زاده\*\*  
دکتر احمد آکوچکیان\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر آموزش تربیتی اسلام‌محور بر روی عزت نفس نوجوانان دختر پرداخته است. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع دبیرستان شهر فریدونکنار است. روش نمونه‌گیری، تصادفی خوشه‌ای بوده است و تعداد آزمودنی‌ها ۳۰ نفر بود که در دو گروه آزمایش و کنترل به صورت تصادفی گماشته شدند و پرسشنامه عزت نفس ایس پوپ و پرسشنامه دموگرافیک را تکمیل نمودند. داده‌ها در سطح آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (تحلیل چندمتغیری رگرسیون، آزمون لوین و تحلیل مانوا) بررسی شد. نتایج پژوهش نشان داد که آموزش تربیتی اسلام محور بر عزت نفس کلی ( $p = 0/000$  و  $p = 0/000$ )، عزت نفس خانوادگی ( $p = 0/001$ ) و  $p = 0/003$ )، در دو مرحله پس‌آزمون و پیگیری مؤثر بود. آموزش تربیتی اسلام‌محور بر عزت نفس تحصیلی ( $p = 0/545$ ،  $p = 0/345$ ) در هر دو مرحله ارزیابی مؤثر نبود؛ همچنین آموزش تربیتی اسلام‌محور بر عزت نفس جسمانی نوجوانان در مرحله پس‌آزمون معنادار بود ( $p = 0/000$ ) و در مرحله پیگیری ( $p = 0/177$ ) معنادار نبود. آموزش تربیتی اسلام محور بر عزت نفس اجتماعی در پس‌آزمون مؤثر بود ( $p = 0/000$ )، اما در پیگیری مؤثر نبود ( $p = 0/062$ )؛ در نتیجه آموزش تربیتی اسلام محور بر بهبود عزت نفس جسمانی و اجتماعی در پس‌آزمون مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: آموزش تربیتی اسلام‌محور، عزت نفس، نوجوان.

### مقدمه

دوره نوجوانی از حساس‌ترین دوران زندگی انسان است که توأم با شکل‌گیری ویژگی‌ها و خصایص رفتاری و نگرشی فراوانی است؛ از جمله، صفات برجسته داشتن عزت نفس مثبت است. حفظ کرامت نفس و تقویت آن از اصول اساسی دین اسلام است که خانواده نقش مهمی در حفظ آن دارند. اما، این امر نیز نیازمند برنامه و الگوی مناسبی است تا نهادها و ارگان‌های مختلف با رعایت آن به ارتقای شخصیت نوجوان کمک نمایند؛ از جمله راهکارهای مناسب تربیتی، برنامه تکاملی دین اسلام است. در این پژوهش تأثیر آموزه‌های تربیت اسلامی را بر عزت نفس نوجوان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### بیان مسأله

داشتن عزت نفس سالم نیاز اساسی انسان است و چیزی است که ما پیوسته برای رسیدن به آن تلاش می‌کنیم. با این حال، بعضی از مردم هرگز به خودانگاره‌ای که بتوانند با آن احساس راحتی کنند، نمی‌رسند و در سراسر زندگی‌شان، بر اثر شک‌هایی که نسبت به خود دارند، دستخوش ناراحتی و عذاب می‌شوند (گنجی، ۱۳۷۸).

عزت نفس عبارت است از احساس ارزشمند بودن. این حس از مجموع افکار، احساس‌ها، عواطف و تجربیاتمان در طول زندگی ناشی می‌شود. تصورات، ارزیابی و تجربه‌ای که از خویش داریم، باعث می‌شود که نسبت به خود احساس خوشایند ارزشمند بودن یا برعکس احساس ناخوشایند بی‌کفایتی داشته باشیم (علیپور، ۱۳۷۵).

از دیدگاه گرینبرگ، عزت نفس شامل دو جزء است: ۱. اعتقاد به بافت فرهنگی که زندگی را پرمعنا، مهم و پایدار توصیف می‌کند. ۲. اعتقاد به اینکه هر شخصی نقش مهمی در آن بافت بازی می‌کند. از نظر بندورا عزت نفس به معنی «حرمت نفس» و «احساس خود ارزشمندی» است. عزت نفس براساس فاصله بین خودواقعی و خودآرمانی ارزیابی و قضاوت از خود شکل می‌گیرد (امامی، ۱۳۷۹).

عزت نفس به عنوان پدیده‌ای که از سه منبع عمده ناشی می‌شود، در نظر گرفته شده است. اختلاف خودواقعی و خود ایده‌ال، مقایسه اجتماعی و اسناد علی. اختلاف خود ایده‌ال و خودواقعی به شکاف آنچه شخص مایل است باشد و آنچه فکر می‌کند هست، برمی‌گردد. منبع دوم، عزت نفس مقایسه اجتماعی است که این امر را با مقایسه خودشان با دیگران انجام می‌دهند. افراد غالباً در فکر توضیحی هستند و در این مورد که چرا وقایع پریشان‌کننده روی داده است یا چرا آنها علائم ناخوشایندی را تجربه می‌کنند. این فرایند اسنادی نشان‌دهنده تأثیر سوگیری بر روی عزت نفس است. افراد برای حفظ عزت نفس خود از «سوگیری‌های خودخدمتی» استفاده می‌کنند. به این صورت که موفقیت را به توانایی‌های خود شخص و شکست به شانس بد یا دخالت دیگران اسناد داده می‌شود (مظاهری به نقل از کوپر اسمیت<sup>۱</sup>، ۱۳۸۲).

از ابعاد عزت نفس می‌توان به اجتماعی، تحصیلی، جسمانی، خانوادگی و عزت نفس کلی اشاره کرد. عزت نفس اجتماعی عبارتند از احساسی که یک شخص در مورد خودش به عنوان یک دوست برای دیگران دارد؛ همچنین اینکه دیگران او را چگونه دوست دارند؟ آیا دیگران او را دوست دارند؟ به عقایدش احترام می‌گذارند؟ او را در فعالیت‌هایشان شریک می‌سازند؟ و آیا او نسبت به واکنش‌ها و ارتباطاتش با همسالان و دوستان احساس رضایت می‌کند و فردی که نیازهای اجتماعی‌اش برآورده می‌شود، با این جنبه از خودش احساس راحتی خواهد کرد. در مورد عزت نفس تحصیلی نیز، اگر فرد خود را با معیارهای مطلوب عزت نفس تحصیلی منطبق بداند و استانداردهای پیشرفت تحصیلی خود را برآورده سازد، دارای عزت نفس تحصیلی مثبت است.

زمینه خانوادگی عزت نفس، احساسات فرد درباره خود، به عنوان عضوی از خانواده را منعکس می‌کند. اگر او در خانواده مورد علاقه و محبت افراد دیگر باشد، احساس امنیت می‌کند و می‌توان گفت عزت نفس او مثبت است. عزت نفس جسمانی بر رضایت فرد از وضعیت فیزیکی و قابلیت‌های جسمانی خود آنگونه که به نظر می‌رسد، مبتنی می‌باشد. عزت نفس کلی ارزیابی عمومی‌تری از خود است که بر

---

1. Coper smith

ارزشیابی فرد از خودش در تمام زمینه‌ها مبتنی است (مظاهری به نقل از پوپ<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۳۸۲).

در تعلیمات دینی، توجه ویژه‌ای به عزت نفس در انسان شده است و اساس تعلیم و تربیت اسلامی بر مسئولیت فردی، تکالیف شخصی و اعتماد به نفس استوار است و یکی از روش‌های تقویت عزت نفس روی آوردن به مذهب (و از جمله اسلام) است. واژه عزت در قرآن به معنای غلبه نایابی، سختی، غیرت و حمیت آمده است. علامه طباطبایی می‌نویسد: «کلمه عزت به معنای غلبه نایابی است. وقتی می‌گویند: فلان چیز عزیزالوجود است، معنایش این است که به آسانی نمی‌توان بدان دست یافت. عزت در مقابل ذلت است که در اصل لغت به معنای چیزی است که دستیابی بدان آسان است؛ بنابراین، عزت به معنای حماسه درآمیخته با کرامت و آزادگی است (رواستان، ۱۳۸۱). عزت در انسان صفتی نزدیک به تکبر است که اولی مثبت و دومی منفی است. عزت شناخت مرتبه راستین و واقعی هر کس و قراردادن خویشتن در جایگاهی است که باید قرارگیرد؛ اما تکبر، نوعی جهالت (عدم شناخت) نسبت به موقعیت خویش بوده و فرد خودبین خود را در مقام برتر از دیگران قرار می‌دهد، بدون آنکه شرایط، شایستگی و توانایی آن را داشته باشد (گلی زواره، ۱۳۸۱). به عبارتی دیگر، اعتماد به نفس، تکیه بر واقعیت‌ها و تصویر منطقی از خویشتن است، اما در خودپسندی، تصویری افراطی و اغراق‌آمیز از خویشتن وجود دارد (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۰).

لازمه پذیرش حق حیات برای دیگران و برای خود به طور مطلق، احترام و تکریم نسبت به موجود انسانی است. بین مفهوم «کرامت نفس» و «حرمت خود» تفاوت‌هایی وجود دارد. «حرمت خود»، ارزشیابی مثبت از خویشتن است، درحالی که کرامت، ضمن ارزشگذاری مثبت نسبت به خود، دوری جستن از بدی‌ها و مجموعه صفات متعدد ناپسند است. علاوه بر «حرمت خود» در روان‌شناسی مفاهیمی مانند خودپنداره، کنترل خویشتن، هویت، شناخت دیگران نیز لازم است تا بخشی از شخصیت اجتماعی انسان شکل گیرد؛ ولی باید توجه داشت تعامل این ویژگی‌ها ضرورتاً نمی‌تواند به آن صفات

1. Ellis pope

مثبت اخلاقی انسان‌های کریم دست یابد (ساسانی، ۱۳۸۲). اگر کرامت انسان به تقوا و ایمان منتهی نشود، انسان به عزت می‌رسد. عزت با احساس عزت فرق می‌کند. گاهی افراد عزت ندارند ولی احساس عزت می‌کنند و گاهی عزت و احساس عزت هر دو وجود دارد (باقری، ۱۳۷۴).

در قرآن به دو نوع عزت اشاره شده است. «عزت ممدوح» و شایسته که مخصوص خدا و رسول (ع) و مؤمنان است و «عزت مذموم» و ناروا که حالت نفوذناپذیری درمقابل حق، برترخواهی و عدم پذیرش واقعیات است (حسینی، ۱۳۸۱)؛ در جای دیگر، به اعتماد به نفس بدلی در مقابل اعتماد به نفس حقیقی اشاره شده است. هورنای، اعتماد به نفس بدلی را همان غرور ناسالم می‌نامد. غرور ناشی از اختلال در بینش و تصویر افراطی از خویشتن است؛ درحالی‌که این تصویر ذهنی هرگز با واقعیت تطبیق نمی‌کند. مغرور در ذهن خود یک قالب ساختگی و بدلی برای رفتار و گفتار خویش می‌سازد و مطابق آن عمل می‌کند (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۰).

مطهری درباره عزت نفس بیان می‌کند: «اگر انسان خود واقعی را پیدا کند، دیگر احساس حقارت نمی‌کند، احساس قدرت و عظمت می‌کند، تکبر یا تجبر نمی‌کند، چون با روحش ناسازگار است» (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۰)؛ به عبارتی دیگر، می‌توان چنین بیان کرد: عزت نفس نقطه تعادلی است که از یک سوی به احساس حقارت و از سوی دیگر به غرور و اعتماد افراطی و غیر واقعی نسبت به خود منتهی می‌شود. کرامت انسان نیز دو نوع است: ۱. کرامت تکوینی و ذاتی؛ ۲. کرامت ارزشی که براساس عمل انسان به او اعطا می‌شود. «هر نفسی در گرو عملی است که انجام داده است» (مدثر، آیه ۳۸) و کرامت ارزشی از طریق عمل صالح و شرح صدر به دست می‌آید (فرهادیان، ۱۳۸۲).

از جمله آثار عزت نفس، پایداری در راه هدف و افزایش قدرت مواجهه با مشکلات و ناملایمات زندگی و تحمل سختی‌هاست. جلب اعتماد دیگران و تأثیرگذاری بر افراد به قدرت ایمان و خودباوری بستگی دارد. حفظ سلامت روان و پرهیز از عوارضی مانند نگرانی، بی‌ثباتی، اضطراب، بدبینی، پرخاشگری، افسردگی، خودکم‌بینی، وسواس (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۰) و درمقابل رشد اجتماعی، استقلال در اندیشه و عمل، پذیرش

مسئولیت و آینده‌نگری و مقاومت و پایداری در امور متأثر از اعتماد به نفس است (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۰، روستان، ۱۳۸۱). انسان دارای عزت نفس، نگاه مثبتی به زندگی و مرگ دارد و در موقعیت‌های بحرانی زندگی با گزینش مناسب احساس خرسندی و شادمانی می‌کند. زندگی را با همه دشواری‌ها و سختی‌های ظاهری زیبا می‌بیند. به دلیل ارتباط با خدا، زیبایی آفرینش را درک می‌کند و رویدادهای نیک و بد را در نظام آفرینش زیبا می‌بیند. در این راستا مرگ را نیز حرکتی به سوی خداوند و راه وصال دوست می‌شمارد و به مرگ نیز مشتاق است. روشن‌گویی و پرهیز از نفاق و دورویی، پرهیزگاری و ترک گناه، کرامت و حفظ عزت دیگران، رضا و تسلیم در برابر خداوند، فروتنی و گذشت از جمله ویژگی‌های انسان با اعتماد به نفس است (روستان، ۱۳۸۱). فرد با اعتماد به نفس رابطه درست و منطقی با زمان گذشته، حال و آینده دارد. از گذشته تجربه می‌اندوزد و از آینده امید و آرمان و برنامه می‌گیرد و در زمان حال به فعالیت و انجام وظایف و مسئولیت‌هایش می‌پردازد (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۰).

از دیگر نتایج اعتماد به نفس بالا این است که فرد به پیشرفت‌هایش افتخار می‌کند، به چالش‌های جدید مشتاقانه روی می‌آورد. مشاغل ناآشنا، آموزش‌ها و فعالیت‌های جدید توجهش را جلب می‌کند و او با اطمینان خود را درگیر آنها می‌کند. دامنه وسیعی از هیجان‌ات و احساسات را نشان می‌دهد. احساس می‌کند می‌تواند دیگران را تحت تأثیر خود قرار دهد و از نفوذی که بر افراد خانواده، دوستان و ... دارد، مطمئن است؛ در مقابل، فردی که عزت نفسش کم است، قریحه‌های خود را دست کم می‌گیرد. احساس می‌کند دیگران ارزشی به او نمی‌دهند. در محبت و پشتیبانی اطرافیانش تردید دارد یا احساس می‌کند که آنها اصلاً به او علاقه ندارند و از او حمایت نمی‌کنند. احساس ناتوانی می‌کند و با مسائل و مشکلات، قدرتمندانه مقابله نمی‌کند. به آسانی تحت تأثیر دیگران قرار می‌گیرد. اندیشه‌ها و رفتارشان تحت تأثیر کسانی است که اوقاتش را با آنها می‌گذرانند. دامنه محدودی از عواطف و احساسات را نشان می‌دهد. اطرافیانش می‌توانند پیش‌بینی کنند که در هر موقعیتی باید منتظر کدامیک از واکنش‌های آماده‌اش باشند. در برابر فشارهای روانی به‌ویژه خشم، ترس یا موقعیت‌های نگرانی‌زا کم‌تحمل

است (علیپور، ۱۳۷۵). منفی‌بافی و منفی‌نگری از دیگر نقایص افراد فاقد اعتماد به نفس است و برای جبران ضعف درونی خود، عیوب دیگران را بیان می‌کنند. امام علی (ع) می‌فرماید: «کسانی که دارای عیوب و نقایص‌اند، دوست دارند عیوب مردم را منتشر کنند تا راه عذرشان توسعه یابد»؛ درحالی‌که افراد با اعتماد به نفس به مجموعه‌نگری و خوش‌بینی معتقدند. فرد بی‌اعتماد ترس از خود دارد. ترس از خود، نوعی طرد شخصیت خویش است؛ یعنی، کسی که به خود اعتماد ندارد یا به خودش شک داشته باشد، هرگز شخصیت خود را کامل قبول نمی‌کند. ترس از خود منشأ ترس‌های دیگر مانند ترس از قضاوت دیگران، ترس از آینده‌ای مجهول و ترس از معاشرت با مردم نیز می‌شود. ترس از قضاوت دیگران از آنجا ناشی می‌شود که شخص تصور می‌کند معایب و نقاط ضعفی دارد که به هیچ قیمتی نباید دیگران از آن باخبر باشند. کسی که از اعتماد به نفس کافی برخوردار نیست، از اعتمادی که دیگران از خود نشان می‌دهند، می‌ترسد؛ بنابراین، از نشانه‌های فقدان اعتماد به نفس، انزوای شدید و کمرویی است. آسیب‌پذیری، خودفریبی، ظاهرسازی، خودکم‌بینی و دوری جستن از ابتکار و خلاقیت از دیگر آثار بی‌اعتمادی نسبت به خویش است. امام علی (ع) درباره خودفریبی انسان می‌فرماید: «چه بسا انسان در برخورد با گرفتاری به خود دروغ می‌گوید» (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۰).

از جمله عوامل مؤثر بر اعتماد به نفس عبارت است از: احساس خود ارزشمندی، خودشناسی، خودپنداره مثبت، خوداتکایی، شیوه پرورش، بصیرت و آگاهی، صبر و شکیبایی (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۱)، ارتباط و وابستگی به خدا، قناعت، استغنا از خلق، تقوا و خویش‌داری از گناه، پرهیز از دورویی، چاپلوسی، حرص و طمع، چشم‌پوشی از خشم، حفظ زبان (حسینی، ۱۳۸۱)، بدرفتاری جسمانی یا جنسی، تجارب آسیب‌زا، ظاهر جسمانی، جنسیت و رویدادهای جاری زندگی (گنجی، ۱۳۷۸).

روش‌های تقویت عزت نفس شامل: یادآوری نعمت‌ها، روش تغافل (باقری، ۱۳۷۴)، تقویت اراده، روش آزادمنشانه و پرورش قدرت تفکر و استدلال (فرهادیان، ۱۳۸۲)، رویارویی با مشکلات، تقویت اراده و خود ارزشمندی و کسب تجارب

موفقیت‌آمیز (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۱)، امکان عرضه خود، ایجاد مهارت، حفظ سلامت فرزند (قائمی، ۱۳۶۴) است.

نکات دیگری که در جهت حفظ اعتماد به نفس نوجوان مؤثر است، عبارتند از: احترام متقابل، ایجاد دلگرمی با عدم انتقاد صریح و مقایسه نکردن شخص با دیگران، تشکیل جلسات بحث گروهی که موجب عقده‌گشایی، تخلیه احساسات و تفاهم جمعی، برانگیختن حس کنجکاوی و حقیقت‌جویی می‌شود؛ همچنین، فراهم کردن موقعیتی جهت اظهارنظر نوجوان در جمع، تعریف و قدردانی، وفادار بودن به وعده‌ها، سوق دادن نوجوان به انجام کار مورد علاقه‌اش، ابراز محبت پایدار و دائمی برای تقویت اعتماد به نفس او مفید است (فرهادیان، ۱۳۸۲).

بال<sup>۱</sup> به نقل از الیسون<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۳، بلاین<sup>۳</sup>، کروکر<sup>۴</sup> در سال ۱۹۹۵، بیان کرد که در میان بزرگسالان آفریقایی - آمریکایی، رابطه مثبتی بین عقاید مذهبی، سازگاری در اجتماعات کلیسا و عزت نفس وجود دارد (بال، ۲۰۰۳).

سینها<sup>۵</sup> به نقل از اسمیت<sup>۶</sup> و فاریس<sup>۷</sup> در سال ۲۰۰۲ بیان کردند که مذهب در ۱۲ مدرسه آمریکا معناداری بالایی با عزت نفس داشته است و در کل نگرش مثبت‌تری به زندگی نسبت به همتایان کم‌مذهب‌ترشان داشتند؛ بنابراین، ارزش‌های مذهبی و مشارکت در یک گروه مذهبی ممکن است عزت نفس مثبت و خودکارآمدی را افزایش دهد، یا ممکن است باعث رفع عزت نفس پایین یا کاهش رفتارهای خطرناک از طریق شکل‌گیری هنجارهای جامعه‌پسند و قبول نقش و اجتناب از محیط‌های خطرناک شود (سینها، ۲۰۰۷).

رابطه بین افزایش عزت نفس و مذهب در تعدادی از پژوهش‌های اخیر تأیید شده است. نتایج این پژوهش‌ها نشان داد که افزایش عزت نفس با مشارکت فعالانه در فعالیت‌های مذهبی شامل توجه به کلیسا، مشارکت در گروه‌های اخلاقی و با حفظ

---

1. Ball  
2. Ellisson  
3. Blaine  
4. Crocker  
5. Sinha  
6. Smith  
7. Faris



باورهای مذهبی رابطه دارد؛ به‌علاوه، افراد با ایمان بالا به حفظ سطوح بالای عزت نفس گرایش دارند (پلنت<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۷).

دو پژوهش دیگر عزت نفس و مذهبی بودن را منحصراً در میان نوجوانان آفریقایی - آمریکایی بررسی نمودند که نتایج متفاوتی را نشان داد. در پژوهش اول وارون<sup>۲</sup> و ریلی<sup>۳</sup> در سال ۱۹۹۹ گزارش کردند که رابطه مثبتی بین مذهبی بودن و عزت نفس وجود دارد. همچنین، مذهبی بودن والدین و اثرات آنرا بر نوجوان بررسی کردند؛ در مقابل، مارکستروم<sup>۴</sup> در سال ۱۹۹۹ طی پژوهشی با بررسی مذهبی بودن و شکل‌گیری هویت نوجوان در نمونه کوچک روستایی دریافت که رابطه‌ای بین دینداری و عزت نفس وجود ندارد (بال و همکاران، ۲۰۰۳).

پژوهشی که توسط سینها در سال ۲۰۰۷ انجام شد، عزت نفس، به عنوان ملاک شناخت روان‌شناختی نوجوان نسبت به خودش با افسردگی و مدرسه‌گریزی رابطه معناداری داشت. پس عزت نفس متغیر پیش‌بینی‌کننده مفیدی، تنها برای تعداد کمی از رفتارهای خطرناک است، اما ارزش‌های مذهبی و مشارکت در فعالیت‌های مذهبی با احتمال کاهش ارتکاب برخی از رفتارهای خطرناک رابطه دارد. این مطالعه، اهمیت آگاهی راجع به توانایی مشارکت مذهبی را افزایش می‌دهد (سینها و همکاران، ۲۰۰۷).

در پژوهشی گزارش شد، میان عزت نفس مدرسه با مراقبت‌های مذهبی مداوم، مشارکت در گروه بزرگسالان و مشارکت در مطالعه گروهی کتاب مقدس رابطه وجود دارد. این یافته‌ها با اظهارات توماس<sup>۵</sup> و کارور<sup>۶</sup> در سال ۱۹۹۰ درباره وجود رابطه میان مشارکت در فعالیت‌های مذهبی و حضور در مدرسه، حمایت می‌شود (مارکستروم، ۱۹۹۹).

پژوهشی در رابطه با مذهبی بودن، عزت نفس و عملکرد کلی روان‌شناختی انجام شد. نتایج نشان داد که بین مذهبی بودن زیاد با عزت نفس بالا و عملکرد روان‌شناختی

---

1. Plante  
2. Varon  
3. Riley  
4. Markstrom  
5. Thomas  
6. Carver

بهبتر رابطه وجود دارد. همچنین بال در پژوهشی، در رابطه با مؤلفه‌های مذهبی و عزت نفس، عملکرد روان‌شناختی و رفتار جنسی بیان کرد، نوجوانانی که راجع به مذهب‌شان گزارش‌های غیرواقعی داده بودند، عزت نفس پایینی داشتند و نوجوانانی که مذهبی بودند، سطح بالایی از عزت نفس را داشتند.

این نتایج نشان می‌دهد که برای داشتن میزان عزت نفس مورد انتظار در نوجوانان به مذهب نیازی نیست، اما قدرمسلم اینکه شخص می‌تواند با مذهبی بودن یا نبودن هویت خود را شکل دهد. به‌ویژه نوجوانانی که راجع به موضوعاتی از زندگی مانند اینکه آیا او شخص مذهبی است؟ نظر غیرقطعی داشته باشند، در آینده غیرممکن نیست که راجع به مسائل بحرانی هویت شخصی خویش، توانایی‌ها و احساسات خوبشان را راجع به خود به خطر بیندازند. در پژوهش‌های بعدی، گروه‌های موردنظر بین سطوح متغیر مذهب خانوادگی با عزت نفس مورد انتظار تفاوت‌هایی را نشان دادند. به‌ویژه دریافتند، نوجوانانی که نظر غیرقطعی نسبت به مذهب خانوادگی‌شان گزارش کرده بودند، دارای عزت نفس پایینی بودند و نوجوانانی که «خیلی کم» یا «خیلی زیاد» مذهبی بودند، دارای عزت نفس بالایی بودند. طبق نتایج پژوهش، اثر خدمات و مراقبت‌های کلیسا بر روی فعالیت جنسی، عزت نفس و عملکرد کلی روان‌شناختی زیاد است، اما تأثیرات خودگرایی مذهبی و مذهب خانوادگی تنها بر روی عزت نفس نشان داده شد (بال و همکاران، ۲۰۰۳).

پژوهشی با بررسی رفتارهای مذهبی مقابله‌ای در میان بیماران یک بیمارستان گزارش کرد که حدود ۳۴٪ تا ۸۶٪ از بیماران برای مقابله با بیماری‌شان، از فعالیت‌ها و آگاهی‌های مذهبی / معنوی استفاده می‌کردند؛ همچنین، ممکن است منابع مذهبی باعث تداوم عزت نفس بیماران، کسب آرامش عاطفی، امیدواری و ایجاد یک حس پر معنا و هدفمند شود (تونی - بویل<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۶).

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش تربیتی اسلام‌محور بر بهبود عزت نفس کلی، تحصیلی، اجتماعی، خانوادگی و جسمانی نوجوانان دختر است.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع نیمه تجربی همراه با پیش‌آزمون - پس‌آزمون - پیگیری با گروه کنترل است. دیاگرام آن به شرح زیر است:

جدول ۱-۱، دیاگرام طرح پژوهش

| گروهها | نحوه انتخاب | پیش‌آزمون | مداخله | پس‌آزمون | پیگیری |
|--------|-------------|-----------|--------|----------|--------|
| آزمایش | R           | T1        | X      | T2       | T3     |
| کنترل  | R           | T1        | -      | T2       | T3     |

متغیر مستقل آموزش تربیتی اسلام‌محور است که در طی ۸ جلسه آموزش داده شد. متغیر وابسته عزت نفس کلی، تحصیلی، اجتماعی، جسمانی، خانوادگی است. در مورد این طرح نکات زیر قابل ذکر است:

۱. نوجوانان به صورت تصادفی انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه گماشته شدند. سپس، از والدین‌شان دعوت شد که ۱۵ زوج پدر و مادر در گروه آزمایش و ۱۵ زوج در گروه کنترل بودند.
۲. در گروه آزمایش متغیر مستقل آموزش تربیتی اسلام‌محور اعمال شد و در گروه کنترل هیچ تغییری اعمال نشد.

### جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل نوجوانان دختر ۱۴-۱۸ سال شهر فریدونکنار بود که تعداد آنها ۷۰۰ نفر بود و از میان آنها ۱۰۰ نفر به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و پس از تکمیل پرسشنامه و بررسی وضعیت پاسخدهی به سؤالات، ۳۰ دانش‌آموز که دارای پایین‌ترین نمرات در پرسشنامه عزت نفس الیس پوپ بودند، انتخاب شدند و به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند، سپس از والدین آنها جهت شرکت در جلسات آموزشی دعوت شد. در جدول زیر ویژگی‌های دموگرافیک اعضای گروه آزمایش و کنترل را مشاهده می‌کنید.

جدول شماره ۱-۲، ویژگی‌های دموگرافیک دو گروه آزمایش و کنترل

| شاخص آماری |              | آزمایش  |           |        |      | کنترل   |           |
|------------|--------------|---------|-----------|--------|------|---------|-----------|
|            |              | فراوانی | درصد نسبی | تراکمی | درصد | فراوانی | درصد نسبی |
| تحصیلات    | اول دبیرستان | -       | -         | -      | ۳    | ۲۰      |           |
|            | دوم دبیرستان | ۸       | ۵۳/۳      | ۵۳/۳   | ۷    | ۴۶/۷    |           |
|            | سوم دبیرستان | ۷       | ۴۶/۷      | ۱۰۰    | ۵    | ۳۳/۳    |           |
| مسکن       | استیجاری     | ۶       | ۴۰        | ۴۰     | ۶    | ۴۰      |           |
|            | سازمانی      | ۵       | ۳۳/۳      | ۷۳/۳   | ۵    | ۳۳/۳    |           |
|            | شخصی         | ۴       | ۲۶/۷      | ۱۰۰    | ۴    | ۲۶/۷    |           |
| شغل پدر    | آزاد         | ۷       | ۴۶/۷      | ۴۶/۷   | ۶    | ۴۰      |           |
|            | کارمند       | ۸       | ۵۳/۳      | ۱۰۰    | ۹    | ۶۰      |           |

### ابزار پژوهش

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه عزت نفس الیس پوپ استفاده شد. آزمون عزت نفس الیس پوپ یک آزمون ۶۰ سؤالی است که غفاری و رضانی (۱۳۷۳) این آزمون را برای دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران به‌کار برده و هنجاریابی کردند و ضریب اعتبار آن ۰/۸۶ محاسبه شد. به این منظور نمونه‌ای به حجم ۱۲۵۲ نفر از میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه ۱۵ منطقه شهر تهران انتخاب و آزمون روی آنها اجرا شد. این آزمون در پنج مقیاس کلی، تحصیلی، خانوادگی، جسمانی و اجتماعی عزت نفس را می‌سنجد. به منظور بررسی اعتبار آزمون از روش‌های همسانی درونی و تحلیل عوامل استفاده شد و در بررسی پایایی آن از روش‌های دو نیمه کردن و آلفای کرانباخ به‌کار رفت. ضریب پایایی برابر با ۰/۸۶ محاسبه شد. در نمره‌گذاری برای تقریباً همیشه، گاهی اوقات و تقریباً هیچگاه، به ترتیب نمرات ۲، ۱، ۰ است.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و با روش‌های آمار استنباطی (شامل، تحلیل مانوا و تحلیل چندمتغیری رگرسیون) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جدول شماره ۱-۳، میانگین و انحراف معیار داده‌ها

| نوع متغیر   | پیش‌آزمون |         |              |       |         |              | پس‌آزمون |         |              |       |         |              | پیگیری |
|-------------|-----------|---------|--------------|-------|---------|--------------|----------|---------|--------------|-------|---------|--------------|--------|
|             | آزمایش    |         |              | کنترل |         |              | آزمایش   |         |              | کنترل |         |              |        |
|             | تعداد     | میانگین | انحراف معیار | تعداد | میانگین | انحراف معیار | تعداد    | میانگین | انحراف معیار | تعداد | میانگین | انحراف معیار |        |
| عزت نفس کلی | ۱۵        | ۱۰/۳۳   | ۸/۹۹         | ۱۵    | ۱۴/۷۳   | ۲/۸۶         | ۱۵       | ۱۸/۴۲۰  | ۰/۳۶۸        | ۱۵    | ۱۲/۰۴۶  | ۰/۳۶۸        |        |
| تحصیلی      | ۱۵        | ۱۰/۰۰   | ۱/۶۰         | ۱۵    | ۱۳/۷۳   | ۱/۸۶         | ۱۵       | ۱۱/۴۷۸  | ۰/۸۲۹        | ۱۵    | ۱۲/۳۲۲  | ۰/۸۲۹        |        |
| جسمانی      | ۱۵        | ۱۰/۰۰   | ۱/۶۴         | ۱۵    | ۱۴/۲۰   | ۲/۷۳         | ۱۵       | ۱۶/۹۴۱  | ۰/۴۶۵        | ۱۵    | ۱۲/۹۹۳  | ۰/۴۶۵        |        |
| خانوادگی    | ۱۵        | ۱۱/۳۳   | ۱/۸۷         | ۱۵    | ۱۳/۲۶   | ۲/۷۱         | ۱۵       | ۱۵/۱۰۲  | ۰/۳۷۰        | ۱۵    | ۱۲/۹۶۳  | ۰/۳۷۰        |        |
| اجتماعی     | ۱۵        | ۱۱/۹۳   | ۱/۳۳         | ۱۵    | ۱۴/۵۳   | ۳/۱۱         | ۱۵       | ۱۶/۸۶۶  | ۰/۴۲۵        | ۱۵    | ۱۳/۰۶۷  | ۰/۴۲۵        |        |

فرضیه اول: آموزش تربیتی اسلام‌محور بر عزت نفس کلی نوجوان مؤثر است.

آمار توصیفی مربوط به این فرضیه در جدول شماره ۱-۳ آمده است.

پیش‌فرض تساوی واریانس‌ها با استفاده از آزمون لوین بررسی شد. نتایج آزمون

لوین در مورد پیش‌فرض تساوی واریانس‌ها در جدول ۱-۴ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱-۴، پیش فرض تساوی واریانس‌ها

| متغیر وابسته | نوع آزمون | F      | درجه آزادی ۱ | درجه آزادی ۲ | سطح معناداری |
|--------------|-----------|--------|--------------|--------------|--------------|
| عزت نفس کلی  | پس آزمون  | ۱/۴۰۸  | ۱            | ۲۸           | ۰/۲۴۵        |
|              | پیگیری    | ۰/۹۱۷  | ۱            | ۲۸           | ۰/۲۴۵        |
| تحصیلی       | پس آزمون  | ۱/۶۱۸  | ۱            | ۲۸           | ۰/۲۱۴        |
|              | پیگیری    | ۰/۱۶۳  | ۱            | ۲۸           | ۰/۶۹۰        |
| جسمانی       | پس آزمون  | ۲/۳۴۶  | ۱            | ۲۸           | ۰/۱۳۷        |
|              | پیگیری    | ۰/۷۷۳  | ۱            | ۲۸           | ۰/۳۸۷        |
| خانوادگی     | پس آزمون  | ۱/۴۸۸  | ۱            | ۲۸           | ۰/۲۳۳        |
|              | پیگیری    | ۱۴/۶۹۲ | ۱            | ۲۸           | ۰/۰۰۱        |
| اجتماعی      | پس آزمون  | ۱/۱۱۵  | ۱            | ۲۸           | ۰/۳۰۰        |
|              | پیگیری    | ۰/۳۸۴  | ۱            | ۲۸           | ۰/۴۵۰        |

همانطور که در جدول ۱-۳ مشاهده می‌کنید، میانگین گروه آزمایش ( $M=18/420$ ) در مرحله پس‌آزمون نسبت به گروه کنترل ( $M=12/046$ ) افزایش یافته است و میانگین گروه آزمایش در مرحله پیگیری ( $M=14/368$ ) بیشتر از کنترل ( $M=10/899$ ) است. با توجه به جدول ۱-۴، پیش فرض تساوی واریانس‌ها مربوط به این فرضیه تأیید شده است (پس‌آزمون،  $p=0/245$  و پیگیری،  $p=0/245$ ). طبق نتایج جدول ۱-۵، تفاوت دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون و پیگیری معنادار بود ( $p=0/000$  و  $p=0/000$ ). پس فرضیه پژوهش مبنی بر تأثیر آموزش تربیتی اسلام‌محور بر عزت نفس کلی در سطح معناداری ( $P < 0/05$ ) تأیید می‌شود.

**فرضیه دوم: آموزش تربیتی اسلام‌محور بر عزت نفس تحصیلی نوجوان مؤثر است.**  
همانطور که در جدول شماره ۱-۳ مشاهده می‌کنید، میانگین گروه آزمایش ( $M=11/47$ ) در مرحله پس‌آزمون کمتر از میانگین گروه کنترل ( $M=12/32$ ) است. در مرحله پیگیری میانگین گروه آزمایش ( $M=11/102$ ) کمتر از کنترل ( $M=11/76$ ) است. طبق نتایج جدول شماره ۱-۴، پیش فرض تساوی واریانس‌ها تأیید شده است (پس‌آزمون،  $P=0/210$  و پیگیری،  $P=0/690$ ). طبق نتایج جدول ۱-۵، تفاوت بین دو گروه آزمایش و کنترل در هر دو مرحله ارزیابی معنادار نبود (پس‌آزمون  $P=0/545$ ،

پیگیری  $(P = 0/345)$ . در نتیجه آموزش تربیتی اسلام‌محور بر بهبود عزت نفس تحصیلی مؤثر نیست؛ بنابراین فرضیه دوم مبنی بر تأثیر آموزش تربیتی اسلام‌محور بر بهبود عزت نفس تحصیلی نوجوان تأیید نمی‌شود.

**فرضیه سوم: آموزش تربیتی اسلام‌محور بر عزت نفس جسمانی نوجوان مؤثر است.**  
همانطور که در جدول شماره ۱-۳ مشاهده می‌کنید، در مرحله پس‌آزمون میانگین گروه آزمایش  $(M = 16/94)$  بیشتر از گروه کنترل  $(M = 12/99)$  است. در مرحله پیگیری میانگین گروه آزمایش  $(M = 11/18)$  کمتر از میانگین کنترل  $(M = 12/078)$  است. طبق نتایج جدول شماره ۱-۴، پیش‌فرض تساوی واریانس‌ها تأیید شده است (پس‌آزمون،  $P = 0/137$  و پیگیری،  $P = 0/387$ ). طبق نتایج جدول ۱-۵ تفاوت بین دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون معنادار بود  $(P = 0/000)$  و میزان تأثیر این رابطه  $Eta = 0/522$  بود، اما در مرحله پیگیری معنادار نبود  $(P = 0/177)$ . در نتیجه فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه آموزش تربیتی اسلام‌محور بر عزت نفس جسمانی نوجوان مؤثر است، در پس‌آزمون تأیید شد. در نتیجه تأثیر آن به صورت پس‌آزمون است.

جدول شماره ۱-۵ نتایج تحلیل مانوا

| شاخص آماری  | نوع آزمون | مجموع مجزورات | درجه آزادی | میانگین مجزورات | F      | سطح معناداری | ضریب اتا | توان آماری |
|-------------|-----------|---------------|------------|-----------------|--------|--------------|----------|------------|
| عزت نفس کلی | پس آزمون  | ۱۴۱/۷۱        | ۱          | ۱۴۱/۷۱          | ۱۰۹/۶۲ | ۰/۰۰۰        | ۰/۸۰۲    | ۱/۰۰۰      |
|             | پیگیری    | ۴۱/۹۹         | ۱          | ۴۱/۹۹           | ۲۲/۸۱  | ۰/۰۰۰        | ۰/۴۵۰    | ۰/۹۹۶      |
| تحصیلی      | پس آزمون  | ۲/۳۹          | ۱          | ۲/۳۹            | ۰/۳۷۶  | ۰/۵۴۵        | ۰/۰۱۴    | ۰/۰۹۱      |
|             | پیگیری    | ۱/۴۷          | ۱          | ۱/۴۷            | ۰/۹۲۵  | ۰/۳۴۵        | ۰/۰۳۳    | ۰/۱۵۳      |
| جسمانی      | پس آزمون  | ۷۳/۶۹         | ۱          | ۷۳/۶۹           | ۲۹/۴۴  | ۰/۰۰۰        | ۰/۵۲۲    | ۰/۹۹۹      |
|             | پیگیری    | ۳/۷۴          | ۱          | ۳/۷۴            | ۱/۹۱   | ۰/۱۷۷        | ۰/۰۶۶    | ۰/۲۶۷      |
| خانوادگی    | پس آزمون  | ۲۷/۶۱         | ۱          | ۲۷/۶۱           | ۱۵/۱۱  | ۰/۰۰۱        | ۰/۳۶۸    | ۰/۹۶۳      |
|             | پیگیری    | ۵۱/۹۷         | ۱          | ۵۱/۹۷           | ۱۰/۸۲  | ۰/۰۰۳        | ۰/۲۹۴    | ۰/۸۸۶      |
| اجتماعی     | پس آزمون  | ۸۲/۲۸         | ۱          | ۸۲/۲۸           | ۳۵/۱۸  | ۰/۰۰۰        | ۰/۵۶۶    | ۱/۰۰۰      |
|             | پیگیری    | ۱۱/۹۴         | ۱          | ۱۱/۹۴           | ۳/۷۹   | ۰/۰۶۲        | ۰/۱۲۳    | ۰/۴۶۷      |

**فرضیه چهارم: آموزش تربیتی اسلام‌محور بر عزت نفس خانوادگی نوجوان مؤثر است.**  
 همانطور که در جدول شماره ۱-۳ مشاهده می‌کنید، در مرحله پس‌آزمون میانگین گروه آزمایش ( $M = 15/103$ ) بیشتر از گروه کنترل ( $M = 12/963$ ) و در مرحله پیگیری میانگین گروه آزمایش ( $M = 15/001$ ) بیشتر از میانگین گروه کنترل ( $M = 12/066$ ) مطابق با جدول شماره ۱-۴، پیش‌فرض تساوی واریانسها در مرحله پیگیری تأیید شد (پیگیری،  $P = 0/233$ ) اما در پس‌آزمون تأیید نشد ( $M = 0/001$ ). با توجه به دیگر اصول رعایت شده مانند انتخاب و گمارش تصادفی اعضا برای تحلیل داده‌ها می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد؛ همچنین، طبق نتایج جدول ۱-۵ تفاوت بین دو گروه آزمایش و کنترل در هر دو مرحله ارزیابی معنادار بود (پس‌آزمون،  $P = 0/001$  و پیگیری،  $P = 0/003$ ). این نتیجه بدان معناست که تفاوت مشاهده شده بین میانگین عزت نفس خانوادگی دو گروه آزمایش و کنترل در دو مرحله ارزیابی معنادار بوده است و میزان تأثیر این رابطه به ترتیب عبارتند از  $\text{Eta} = 0/96$  و  $\text{Eta} = 0/88$ . در نتیجه آموزش تربیتی اسلام‌محور بر عزت نفس خانوادگی نوجوان در سطح ( $P < 0/05$ ) معنادار بوده است؛ لذا فرضیه چهارم تأیید می‌شود.

**فرضیه پنجم: آموزش تربیتی اسلام‌محور بر عزت نفس اجتماعی نوجوان مؤثر است.**  
 طبق نتایج جدول شماره ۱-۳، در مرحله پس‌آزمون میانگین گروه آزمایش ( $M = 16/86$ ) بیشتر از کنترل ( $M = 13/067$ ) است. در پیگیری نیز میانگین گروه آزمایش ( $M = 11/57$ ) کمتر از کنترل ( $M = 13/024$ ) است. همانطور که در جدول شماره ۱-۴ مشاهده می‌کنید، پیش‌فرض تساوی واریانسها تأیید شد (پس‌آزمون  $P = 0/300$  و پیگیری  $P = 0/500$ ). طبق نتایج جدول شماره ۱-۵، تفاوت بین دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون معنادار بود ( $P = 0/000$ )، اما در پیگیری تفاوت مشاهده شده بین دو گروه آزمایش و کنترل معنادار نبود ( $P = 0/062$ ). در نتیجه آموزش تربیتی اسلام‌محور بر بهبود عزت نفس اجتماعی نوجوان در پس‌آزمون مؤثر است. برای شناسایی متغیرهایی که باید کوواریانس می‌گرفتیم، از همبستگی استفاده کردیم. جدول شماره ۱-۶ همبستگی میان خرده‌مقیاس‌های عزت نفس و ابعاد پرسشنامه دموگرافیک را نشان می‌دهد.



جدول شماره ۱-۶، همبستگی بین خرده‌مقیاس‌ها و ابعاد پرسشنامه دموگرافیک

| عزت نفس اجتماعی | عزت نفس خانوادگی | عزت نفس جسمانی | عزت نفس تحصیلی | عزت نفس کلی   | متغیرهای دموگرافیک  |
|-----------------|------------------|----------------|----------------|---------------|---------------------|
| -.۰۶<br>.۰۷۳    | -.۰۳۳<br>.۰۰۷    | -.۰۰۸<br>.۰۶۴  | .۰۰۷<br>.۰۷۶   | .۰۰۲<br>.۰۹۹  | مسکن                |
| -.۰۱۰<br>.۰۵۹   | -.۰۰۳<br>.۰۸۷    | .۰۱۷<br>.۰۳۶   | .۰۱۶<br>.۰۳۷   | .۰۰۴<br>.۰۸۲  | شغل پدر             |
| -.۰۰۴<br>.۰۷۹   | -.۰۱۵<br>.۰۴۲    | .۰۰۵<br>.۰۷۸   | -.۰۰۷<br>.۰۶۷  | .۰۲۱<br>.۰۲۵  | شغل مادر            |
| -.۰۱۰<br>.۰۵۶   | .۰۲۴<br>.۰۱۹     | .۰۰۴<br>.۰۹۸   | -.۰۰۳<br>.۰۰۸  | .۰۱۷<br>.۰۳۶  | سن پدر              |
| -.۰۱۵<br>.۰۴۱   | .۰۳۰<br>.۰۱۰     | .۰۰۴<br>.۰۸۰   | -.۰۲۷<br>.۰۱۳  | .۰۱۸<br>.۰۳۱  | سن مادر             |
| -.۰۱۸<br>.۰۳۲   | -.۰۲۰<br>.۰۲۸    | -.۰۲۳<br>.۰۲۲  | -.۰۳۰<br>.۰۱۰  | -.۰۱۰<br>.۰۵۶ | درآمد خانواده       |
| -.۰۱۵<br>.۰۴۰   | .۰۱۴<br>.۰۴۵     | -.۰۳۱<br>.۰۰۸  | -.۰۱۷<br>.۰۳۴  | -.۰۰۳<br>.۰۸۶ | تعداد اعضای خانواده |
| -.۰۰۵<br>.۰۷۵   | -.۰۱۸<br>.۰۳۲    | .۰۰۱۲<br>.۰۹۴  | .۰۰۷<br>.۰۶۹   | -.۰۱۲<br>.۰۵۲ | تحصیلات پدر         |
| -.۰۱۰<br>.۰۵۷   | .۰۴۵<br>.۰۰۱     | .۰۰۴<br>.۰۸۳   | .۰۱۰<br>.۰۵۷   | -.۰۰۹<br>.۰۶۰ | تحصیلات مادر        |
| -.۰۰۲<br>.۰۹۹   | -.۰۰۷<br>.۰۶۸    | .۰۱۳<br>.۰۴۷   | .۰۰۲۵<br>.۰۸۹  | -.۰۲۰<br>.۰۲۷ | تحصیلات آزمودنی     |

همانطور که در جدول شماره ۱-۶، مشاهده می‌شود، بین تحصیلات مادر و عزت نفس خانوادگی رابطه معناداری وجود دارد ( $p=۰/۰۱$ ). بنابراین، در تحلیل مانوا، علاوه بر پیش‌آزمون خرده‌مقیاس عزت نفس خانوادگی، تحصیلات مادر را نیز کنترل کردیم. جهت تعیین میزان تأثیر ابعاد پرسشنامه دموگرافیک (شامل: تحصیلات، سن پدر، سن مادر، شغل پدر، شغل مادر، تحصیلات مادر، تحصیلات پدر، مسکن، درآمد، تعداد) بر روی عزت نفس از تحلیل چند متغیری رگرسیون (روش گام به گام و روش ورود) استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بین ابعاد پرسشنامه دموگرافیک و عزت نفس رابطه معناداری وجود ندارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج بررسی داده‌ها در پاسخ به سؤال اول پژوهش که آیا آموزش تربیتی اسلام‌محور بر عزت نفس کلی نوجوان مؤثر است، نشان داد که میزان عزت نفس فرزندان والدینی که در گروه آزمایش بودند بیشتر از گروه کنترل بود. این تفاوت در ارزیابی پس‌آزمون و پیگیری وجود داشت. در نتیجه آموزش تربیتی اسلام‌محور بر بهبود عزت نفس نوجوان در پس‌آزمون و پیگیری مؤثر است. تأکید برنامه آموزشی به تناسب نظام جزا و پاداش با نیازها، علائق و سطح سنی فرزندان، احترام گذاشتن به نوجوان و نظرخواهی از او در جمع، تعریف نمودن از نوجوان در میان دیگران و گوشزد کردن اشتباهات و نصایح در خلوت به والدین کمک کرد تا عزت نفس فرزندشان را افزایش دهند.

تحقیقات الیسون (۱۹۹۳)، بلاین و کروکر (۱۹۹۵) در حمایت از یافته پژوهش حاضر است. البته لازم به ذکر است، تمام پژوهش‌ها رابطه بین مذهب و عزت نفس را بررسی کرده‌اند و به‌طور خاص به تأثیر آموزه‌های اسلامی بر عزت نفس نپرداخته‌اند. بال به نقل از الیسون در سال ۱۹۹۳، بلاین، کروکر در سال ۱۹۹۵ بیان کرد که در میان بزرگسالان آفریقایی - آمریکایی، رابطه مثبتی بین عقاید مذهبی، سازگاری در اجتماعات کلیسا و عزت نفس وجود دارد (بال، ۲۰۰۳).

رابطه بین افزایش عزت نفس و مذهب در تعدادی از پژوهش‌های اخیر تأیید شده است. نتایج این پژوهش‌ها نشان داد که افزایش عزت نفس با مشارکت فعالانه در فعالیت‌های مذهبی شامل توجه به کلیسا، مشارکت در گروه‌های اخلاقی و با حفظ باورهای مذهبی رابطه دارد؛ به‌علاوه، افراد با ایمان بالا به حفظ سطوح بالای عزت نفس گرایش دارند (پلنت و همکاران، ۱۹۹۷).

از دیگر یافته‌های پژوهش بررسی تأثیر آموزش تربیتی اسلام‌محور بر عزت نفس تحصیلی نوجوانان بود که در پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معناداری بین گروه آزمایش و کنترل مشاهده نشد. البته در پژوهشی گزارش شد، میان عزت نفس مدرسه با مراقبت‌های مذهبی مداوم، مشارکت در گروه بزرگسالان و مشارکت در مطالعه گروهی

کتاب مقدس رابطه وجود دارد؛ همچنین، توماس و کارور در سال ۱۹۹۰ بیان کردند، میان مشارکت در فعالیت‌های مذهبی و حضور در مدرسه، رابطه وجود دارد (مارکستروم، ۱۹۹۹). شاید با تغییر برخی از بخش‌های برنامه آموزشی یا تغییر در نحوه اجرا یا آموزش به دبیران و معلمان اثربخشی آموزش تربیتی اسلام‌محور بر بهبود عزت نفس تحصیلی نوجوانان تأیید شود. این امر نیازمند پژوهش‌های بیشتری است.

پاسخ به فرضیه سوم پژوهش مبنی بر اینکه آموزش تربیتی اسلام‌محور بر عزت نفس جسمانی نوجوان مؤثر است، تحلیل داده‌ها نشان داد که بین گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری در مرحله پس‌آزمون وجود دارد، اما در پیگیری تفاوت بین دو گروه معنادار نبود؛ بنابراین، آموزش تربیتی اسلام‌محور بر بهبود عزت نفس جسمانی نوجوان در پس‌آزمون مؤثر است. به نظر می‌رسد با پیگیری و تداوم جلسات آموزشی، تداوم ارتباط مشاور گروه با اعضا، آموزش تربیتی اسلام‌محور اثر پیگیری بر عزت نفس جسمانی بگذارد.

از دیگر یافته‌های پژوهش بررسی تأثیر آموزش تربیتی اسلام‌محور بر بهبود عزت نفس خانوادگی نوجوان بود. نتایج پژوهش نشان داد تفاوت مشاهده شده بین دو گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون و پیگیری معنادار است؛ لذا، آموزش تربیتی اسلام‌محور بر بهبود عزت نفس خانوادگی نوجوان در پس‌آزمون و پیگیری مؤثر است. تأکید محتوای جلسات بر نکاتی مانند بیان نقاط قوت و موفقیت‌های نوجوان، کاهش تذکرات و بیان اشتباهات نوجوان، اعطای فرصت‌هایی به او جهت عرضه خود در جمع، گوش دادن به صحبت‌های او و اهمیت دادن به نظرات او در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده باعث افزایش اطمینان نوجوان نسبت به خانواده شد.

از دیگر یافته‌های پژوهش بررسی تأثیر آموزش تربیتی اسلام‌محور بر بهبود عزت نفس اجتماعی نوجوان است که تفاوت مشاهده شده بین دو گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون معنادار بود، اما در پیگیری تفاوت مشاهده شده معنادار نبود؛ در نتیجه آموزش‌های دینی - تربیتی بر بهبود عزت نفس اجتماعی نوجوان در پس‌آزمون معنادار است. توجه برنامه آموزشی به قابلیت‌های نوجوان و اعطای مسئولیت‌هایی درخور توان

و علائق او باعث شد تا نوجوان با موفقیت بیشتری کارهایش را انجام دهد. همچنین در نظر گرفتن نکاتی مانند شناسایی افکار و علائق و نیازهای اطرافیان موجب شد تا او ارتباط بهتری با دیگران برقرار کند؛ در نتیجه اعتماد و اطمینان بیشتری نسبت به توانایی‌های خویش برای برقراری ارتباط با دیگران پیدا می‌نماید. پژوهش‌های انجام شده، نشان دادند که مذهبی بودن با رفع عزت نفس پایین و کاهش رفتارهای خطرناک و با شکل‌گیری هنجارهای جامعه‌پسند انجام می‌پذیرد (سینها، ۲۰۰۷).

## منابع

- امامی، طاهره (۱۳۷۹). بررسی و مقایسه روشهای عملی افزایش عزت نفس در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر اصفهان، اصفهان: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- باقری، خسرو (۱۳۷۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ سوم، تهران: انتشارات مدرسه.
- حسینی، جواد (۱۳۸۱). «عزت در قرآن»، با معارف اسلامی آشنا شویم، شماره ۲۵۶-۲۵۵، ص ۲۹-۲۱.
- رواستان، محمدعلی (۱۳۸۱). «عزت در ادبیات حسینی». حوزه، شماره ۱۱۴-۱۱۳، ص ۳۲-۱۵.
- ساسانی، ماهرخ (۱۳۸۲). راهنمایی و مشاوره در نهج البلاغه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- سبحانی‌نیا، محمد (۱۳۸۰). «جوان و اعتماد به نفس»، با معارف اسلامی آشنا شویم، شماره ۴۷، ص ۴۰-۳۲.
- سبحانی‌نیا، محمد (۱۳۸۰). «جوان و اعتماد به نفس ۲»، با معارف اسلامی آشنا شویم، شماره ۴۸، ص ۴۷-۴۰.
- سبحانی‌نیا، محمد (۱۳۸۱). «جوان و اعتماد به نفس ۳». با معارف اسلامی آشنا شویم، شماره ۵۱، ص ۶۴-۵۴.
- شیهان، ایلین (۱۳۷۸). عزت نفس، مهدی گنجی، چاپ اول، تهران: نشر ویرایش.
- فرهادیان، رضا (۱۳۸۲). والدین و مربیان مسئول، چاپ دوم. بوستان کتاب قم.
- قائمی، علی (۱۳۶۴). تربیت و سازندگی، چاپ دوم. تهران: انتشارات امیری.
- کلمز، هریس (۱۳۷۵). روش‌های تقویت عزت نفس در نوجوانان، پروین علیپور، چاپ دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۱). «عزت حسینی و عظمت عاشورا». فرهنگ کوثر، شماره ۵۲، ص ۲۲-۱۶.

مظاهری، اکرم (۱۳۸۲). بررسی تأثیر آموزش گروهی عزت نفس به شیوه رفتاری و رفتاری - شناختی بر سازگاری اجتماعی دانشجویان ساکن خوابگاه دانشگاه اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، اصفهان: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

- Ball Joanna, Armistead lisa, Austin barbara-Jeanne, (2003). The relationship between religiosity and adjustment among African – American, females, urban adolescents, *Journal of adolescence*, 26. pp. 431-446.
- Markstrom carol a. (1999). Religious involvement and adolescent psychosocial development. *Journal of adolescence*. 22. pp. 205–227.
- Plante. Thomas G, Boccaccini marcus T. (1997). The santa clara strength of religious faith questionnaire. *Pastoral psychology*. 45.
- Sinha. jillw Canaan. ram A, Gulles. Richard J. (2007). Adolescent risk behaviors and religion: Finding from a national study. *Journal of adolescence* 30. pp. 231-249.
- Thuné – Boyle. ingela C, Stygall. janA, Keshtgar. Mohammed R, Newman. Stanton P.(2006). Do religious/spiritual coping strategies affect illness adjustment in patients with cancer? a systematic review of the literature. *Social science & Medicine* 63. pp. 164-151.